

## کمرنگ شدن یک اتحاد

کمرنگ شدن حمایت امریکا از متحدان منطقه‌ای اش اگرچه از اواخر دوره ترامپ و بویژه بعد از حمله به تأسیسات نفتی آرامکو و عدم پشتیبانی ترامپ از عربستان دیده می‌شد اما این روند کمی بعد با ریاست جمهوری «جو بایدن» تقویت شد. خاصه آن که امریکا در منطقه غرب آسیا راهبرد خروج تدریجی را در پیش گرفت و درصدد برآمد بسیاری از مأموریت‌های خود در این حوزه را برون سپاری کند. با بروز چنین تحولاتی حصر قطر پایان یافت و اختلافات در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کاهش پیدا کرد، تماس‌هایی بین مصر و ترکیه از یک سو و عربستان و ترکیه انجام شد و «طحوون بن زاید»، مشاور امنیت ملی امارات هم به تهران سفر کرد. پیش از سفر این مقام اماراتی به تهران، علی باقری کنی معاون سیاسی وزارت خارجه ایران به امارات سفر کرده بود، البته امارات پیش از آن و در مقایسه با کشورهای همچون عربستان و بحرین هرگز روابطش را با ایران به صورت کامل قطع نکرده بود. این مسأله حتی در دوره‌ای که کارزار فشار حداکثری نامیده می‌شد نیز به چشم می‌خورد. «انور قرقاش»، مشاور ارشد رئیس دولت

امارات در امور دیپلماتیک هم با اعلام اینکه کشورش برای تنش‌زدایی با ایران گام بر می‌دارد، آن را یک انتخاب سیاسی خواند که در راستای پیشبرد راه‌حل‌های دیپلماتیک و دوری از تقابل اتخاذ شده است. این در حالی بود که به نظر می‌رسید امارات پس از تحمل خسارات جدی از درگیر شدن خود در مناقشه یمن و لیبی، با بازنگری در سیاست خارجی خود، رویکرد تازه‌ای را در پیش گرفته و به این نتیجه رسیده که برای بسیاری از مناقشات کنونی در خاورمیانه نمی‌توان نسخه نظامی تجویز کرد و به همین علت یک رشته ابتکارات دیپلماتیک در پیش گرفت که مبنای آن را قدرت نرم و اقدامات اقتصادی و فرهنگی تشکیل می‌داد. به نظر می‌رسید رویکرد جدید امارات متناظر با یک گزاره مهم در دستور کار قرار گرفت: درک این واقعیت که دولت بایدن در مقایسه با دولت ترامپ کمتر به دنبال حضور و مداخله در مسائل منطقه غرب آسیاست و می‌کوشد امریکا را از تنش‌های موجود در این منطقه دور نگه دارد، امارات را متوجه آن کرد که دیگر از حمایت‌های بی‌دریغ این قدرت فرامنطقه‌ای خبری نیست و امارات نیز باید مانند سایر کشورهای عرب خلیج فارس خود به

فکر سازوکارهایی برای تنظیم و بهبود روابط با کشورهای همسایه خود باشد؛ امری که ایران بارها در دعوت خود از کشورهای منطقه برای تأمین امنیت درون منطقه‌ای به آن توجه نشان داده بود. این چنین بود که تلاش ابوظبی برای تغییر راهبرد خود مبنی بر چرخش از رویکرد مبتنی بر بهره‌گیری از دلارهای نفتی و قدرت نظامی برای حمایت از متحدان و تضعیف مخالفان به سمت و سوی دیپلماسی اقتصادی توجه بسیاری از ناظران را به سوی خود جلب کرد. این دگرگونی بویژه پس از این که پیامدهای اپیدمی کرونا به اقتصاد کشور آسیب‌هایی جدی وارد کرد و دولت بایدن به قدرت رسید، کاملاً نمایان بود.

## کاهش تنش در رابطه تهران و ریاض

از مهم‌ترین موضوعات منطقه که انتظار می‌رفت دولت سیزدهم با اتکا بر سیاست در پیش گرفته مبتنی بر گفت‌وگو بتواند راهی برای حل و فصل آن بیابد، موضوع بهبود رابطه با ریاض است. روابط ایران و عربستان سعودی هیچگاه بر یک مدار نگردیده است. شروع حملات وحشیانه علیه مردم یمن از سوی رژیم سعودی در سال

دولت رئیسی بر سیاست اعلامی خود مبنی بر تعمیق رابطه با همسایگان تأکید داشته و با در نظر گرفتن فضای حاکم بر منطقه تمایلی به تشدید اختلافات به وجود آمده ندارد

۹۳ و پس از آن دی ماه سال ۹۴، تنها ۶ ماه پس از توافق هسته‌ای ایران و در حالی که کشته شدن صدها زائر ایرانی در حوادث فاجعه‌آمیز مکه و منا خشم متراکمی را در میان مردم ایران علیه عربستان ایجاد کرده بود، حکومت سعودی دست خود را به خون روحانی پیشرو شیعه‌ای آلود که خطایی جز بیان خطابه‌های انتقادی از عملکرد حکومت آل سعود انجام نداده بود. صدور حکم اعدام برای «شیخ نمر باقر النمر» از سوی ایران مورد اعتراض قرار گرفت و در شرایطی که شیعیان کشورهای مختلف علیه این حکم تظاهرات می‌کردند و مراجع و روحانیون آن را محکوم می‌دانستند، مقامات و مراجع فقهی ایران بارها نسبت به عواقب اجرای این حکم هشدار دادند. اما در نهایت با همه هشدارها حکم اعدام ۱۲ دی ماه ۹۴ اجرا شد و عصر همان روز در ایران به اعتراضات مردمی و ورود شماری از معترضان به سفارت عربستان در ایران منجر شد که سبب قطع روابط دیپلماتیک و ورود ۲ کشور به دوره‌ای از روابط تنش‌آمیز شد. این رابطه بتدریج و به موازات تحولاتی که درواشنگتن با کناره‌رفتن ترامپ و آمدن بایدن رقم خورد و دشواری‌هایی که مقام‌های سعودی در جنگ فرسایشی

